

شاخصهای کیفی و توسعه فناوری اطلاعات در نظام آموزشی

حسین اسکندری

تهران خ سپهبد قرنی سپند شرقی پلاک ۳۸

E-mail: eskandari3@yahoo.com

چکیده

غالب فناوری‌ها به دلیل تسهیل فرآیند، به سرعت مورد پذیرش واقع می‌شوند. برخی از آنها مانند صنعت چاپ با چنان موفقیتی وارد حوزه آموزش شده‌اند که ما به وجود آنها کمتر فکر می‌کنیم. این فناوری‌های رایج، قرن‌هاست که زیربنای تعلیم و تربیت رسمی را شکل داده‌اند. اما بیشتر فناوری‌های صد سال اخیر با وجود پیشرفته بودن، بر خلاف انتظار و برخی ادعاها به نظر می‌رسد که در حوزه تعلیم و تربیت از اقبال فراوانی برخوردار نبوده‌اند.

برای بهره‌گیری از فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات، نظام آموزشی نیازمند توسعه زیرساخت‌هایی است که غالباً از سوی دیگر بخشها یا با کمک آنها فراهم می‌شود. لذا در دهه‌های گذشته تلاش سیاستگذاران بیشتر معطوف گسترش زیرساخت‌های سخت‌افزاری بوده است. از اینرو غالباً شاخصهای رشد ICT در آموزش و پرورش به اندازه‌گیری کمیت‌هایی چون نسبت تعداد رایانه به هر دانش‌آموز، تعداد مدارس متصل به شبکه، نوع اتصال به شبکه، پهنای باند و مانند آن معطوف بوده‌اند. در مواردی نیز که در عناوین شاخصها توسعه محتوایی و نرم‌افزاری به چشم می‌خورد، در عمل به آنها توجه نشده و یا از توفیق چندانی برخوردار نبوده‌اند. یکی دیگر از دلایل توجه به توسعه سخت‌افزاری، عینی و قابل اندازه‌گیری بودن آن است. امری که نسبت به توسعه‌های کیفی، خوراک تبلیغاتی آماده‌تر و مناسب‌تری را برای مسئولین فراهم می‌کند.

در این مقاله ضمن اشاره به نقش کلی فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه جوامع، سعی شده است به شاخصهای کمی و کیفی ارائه شده از سوی برخی کشورها و مراکز علمی در رابطه با توسعه ICT در آموزش و پرورش اشاره شود. شواهد پژوهشی و تجربی نشان می‌دهد که با وجود رشد نسبی شاخصهای کمی ICT در نظام آموزشی کشور، این فناوری نوین علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های کلان نتوانسته است دستاورد قابل توجهی را به همراه داشته باشد. رویکرد حال حاضر آموزش و پرورش کشور به نظر می‌رسد که این وزارتخانه را در آستانه تکرار خطایی قرار داده است که پیش از این در مورد بکارگیری دیگر فناوری‌ها انجام داده است؛ خطایی که به جز ایران برخی کشورهای حتی توسعه یافته نیز در مورد بکارگیری فناوری‌های نوین در حوزه آموزش و پرورش مرتکب شده‌اند. به نظر می‌رسد که نظام آموزشی به موازات تلاش جهت رشد شاخصهای کمی، ضمن توجه به تجارب دیگر کشورها، هرچه سریعتر باید شاخصهای کیفی را در کانون توجه خود قرار داده و از اتلاف سرمایه‌های مادی و انسانی جلوگیری به عمل آورد. کلمات کلیدی: توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، آموزش و پرورش، شاخصهای توسعه کمی و کیفی.

مقدمه

سه رویکرد مختلف اتخاذ شده است: تحول‌گرا، اصلاح‌گرا و مدیریتی. در رویکرد اول تصور بر این است که این فناوری از چنان قابلیت‌های برخوردار است که می‌تواند در تمام ارکان آموزش و پرورش - از هدفها گرفته تا ابزارها- تحول اساسی ایجاد کند. اما طرفداران رویکرد اصلاح‌گرا امیدوارند که این فناوری بتواند کاستی‌ها و نواقص حال حاضر نظام آموزش و پرورش را برطرف کند و همگام با توسعه جوامع جهانی، ضمن تحقق هدفهای ارزشی چون برقراری عدالت آموزشی، کیفیت فرایند یاددهی و یادگیری را ارتقاء دهد. در رویکرد مدیریتی، فناوری اطلاعات بیشتر در جهت هدفهای مدیریتی از جمله راه‌اندازی شبکه‌های ملی و محلی مدارس جهت پایش و هدایت عملکرد نظام آموزشی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در مقایسه فناوری اطلاعات و ارتباطات با دیگر فناوری‌ها، باید متذکر شد که فناوری اخیر از این امتیاز

بعد از اختراع و ورود فناوری‌هایی چون رادیو، فیلم و تلویزیون به حوزه آموزش و پرورش که در دوران خود اختراعات بسیار بزرگی بوده‌اند، حال نوبت فناوری بسیار پیشرفته و پیچیده فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) است که در میدان تعلیم و تربیت جولان دهد. اینکه چرا برخی فناوری‌های نسبتاً ساده‌تر چون صنعت چاپ، و حتی گچ و تخته مورد پذیرش گسترده واقع می‌شوند و برخی دیگر نه، در یک نمای تاریخی و از لابه‌لای تحقیقات متعدد درباره فناوری‌ها بطور عام، و فناوری‌های آموزشی بطور خاص باید مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد.

چندین دهه است که فناوری نوین اطلاعات و ارتباطات تمام حوزه‌های فعالیت بشری از جمله تعلیم و تربیت را تحت تأثیر قرار داده است. فرایژه‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که تا کنون در برخورد با این فناوری